

دورکیم، خودکشی و مذهب

نویسندگان: پسکو سولیدو - جورجیانا*

ترجمه** یحیی علی بابایی***

عضو هیأت علمی دانشگاه تهران

(تاریخ دریافت ۸۵/۱/۱۹، تاریخ تصویب ۸۵/۸/۲۱)

چکیده

در این مقاله بحث‌هایی مربوط به رابطه مذهب و خودکشی مطرح شده و در آن از یکسو از داده‌های تجربی و از سوی دیگر از ملاحظات نظری دورکیم درباره قدرت حمایتی مذهب بهره برده شده است. سخن این است که قضیه مطرح شده دورکیم باید با متن تاریخی و اجتماعی ربط داده شده و هر تحقیقی باید بتواند سازوکار اجتماعی واقعی این کار را نشان دهد. ملاحظه روندهای تاریخی منجر به مشخصات مشروح‌تر مذاهب در تحلیل موارد جدید می‌شود و از آن مهم‌تر، به توضیح استقرایی پایه‌های نظری دورکیم می‌انجامد. تحلیل اثرات مذهب بر نرخ خودکشی در گروه‌های جمعیتی جامعه آمریکا در سال ۱۹۷۰ نشان می‌دهد که مذهب همچنان بر نرخ خودکشی تأثیر می‌گذارد. به این صورت که نرخ گرایش به خودکشی در میان مذاهب کاتولیک و پروتستان‌های انجیلی پایین و در میان مذاهب پروتستان‌های بنیادی بالا است. حضور پیروان یهودی اثر حمایتی کم، اما ناپایداری ایجاد می‌نماید. در این مقاله تلاش می‌شود تا این نتایج ابتدا با بررسی انواع گونه‌شناسی مذاهب و سپس با بررسی شواهدی دال بر این که آیا وابستگی مذهبی روی عمل پیوندهای شبکه‌ای اثر می‌گذارند، توضیح داده شود. یافته‌های تحقیق ما را به سمت یک بازسازی مفهومی نظریه شبکه‌ای سوق می‌دهد تا بهتر بتوانیم نظریه دورکیم را درک کنیم.

واژگان کلیدی: نظریه دورکیم، رابطه مذهب و خودکشی، نظریه شبکه‌ای، کارکرد انسجام بخشی، کارکرد تنظیم بخشی.

* Pescosolido, B.A, Sh. Georgiana (1989) "Durkheim, suicide and Religion Toward a network Theory of suicide", American Sociological Review, Vol. 54, No.1 (February) P. 33-48).

** این ترجمه برگرفته از بخش‌های مهم متن اصلی مقاله است.

E-mail: ababaie@ut.ac.ir

*** نویسنده مسؤول: تلفن ۸۸۰۱۲۴۲۳، فکس ۸۸۰۱۲۵۲۴

مقدمه

نزدیک به یک قرن است که دورکیم برای جامعه‌شناسان یک فرآیند مفهوم‌سازی قوی در خصوص ارتباط میان «مذهب» و «خودکشی» ارایه داده است. این ایده در طول این مدت بارها و بارها در معرض امتحان سخت تجربی و گاهی هم مورد مذاقه نظری قرار گرفته است. بحث‌های تجربی، فرضیات دورکیم را نتوانستند رد و یا اثبات نمایند. در تلاش‌های نظری هم، مکانیزم اجتماعی مولد این رابطه هیچ‌وقت به طور منظم مورد توجه قرار نگرفته است. بحث‌های نظری و تجربی خودکشی هر دو روی ایده‌های خاص دورکیم متمرکز بودند اما بدون توجه به این که چگونه تغییرات تاریخی می‌توانند روی گزاره‌های کلی وی اثر بگذارند و چگونه این گزاره‌ها ممکن است با توجه به زمینه اجتماعی جدید تبدیل شوند. لذا توجه ویژه نویسندگان مقاله روی این سؤالات محوری است که «چگونه» و «چرا» مذاهب پیروان خود را از تحریکات و کشش‌های درونی خود مخرب^۲ باز می‌دارند. برای این کار، آن‌ها بینش‌های جدید را خصوصاً در زمینه تحلیل فرهنگ، تغییر فرهنگی، و اجتماع از جامعه‌شناسی مذهب بیرون کشیده و بعد این ایده‌ها را با دیدگاه شبکه‌ای پیوند می‌دهند.

ابتدا ایده‌های دورکیم مرور شده و بعد سؤالات اساسی تحقیق مطرح می‌شود. و سپس با استفاده از داده‌های تجربی مربوط به سال ۱۹۷۰ کشور آمریکا تأثیر مذهب را بر نرخ خودکشی مورد بررسی قرار داده و در نهایت، توانایی دیدگاه شبکه‌ای را در تبیین الگوی پیچیده اثرات مذهب بر پدیده خودکشی - در مقایسه با دیدگاه‌های رقیب - مورد مذاقه قرار می‌گیرد.

دورکیم، مذهب و تغییر فرهنگی

دورکیم در سال ۱۸۹۷ این یافته را مطرح می‌کند که پروتستانی‌ها نسبت به دیگران بیشتر مرتکب خودکشی می‌شوند، او کلید این تفاوت را به تغییرات شگرف اجتماعی قرن نوزدهم برمی‌گرداند. در این زمان پروتستانتیسم به عنوان مذهبی گسترش می‌یافت که با سست کردن نفوذ خود بر زندگی جمعی اعضایش به جامعه «مدرن» عکس‌العمل مساعد نشان داده، و از این‌رو توانایی

1. How & WHY
2. Self - destructive impulses

دورکیم، خودکشی و مذهب

خود را در جلوگیری از تحریکات خود مخرب افراد از دست می‌داد. دورکیم دو حالت افراط و تفریط را به تصویر می‌کشد و می‌گوید انسجام و یکپارچگی^۱ بسیار ضعیف^۲ یا انسجام و یکپارچگی بسیار قوی^۳ هر دو باعث خودکشی می‌شوند.

تحلیل دورکیم در متن خاص جوامعی صورت می‌گرفت که با سرعت به سوی صنعتی شدن پیش می‌رفتند و دولت‌های ملی که غالباً تازه تأسیس بودند (مثل ایتالیا تا ۱۸۷۰ و آلمان ۱۸۷۱). در حالی که در آلمان تحت صدر اعظمی بیسمارک، در ایتالیای قبل از جنگ جهانی اول تحت حکومت کاور^۴ و در فرانسه طی سال‌های جمهوری سوم، مأموران حکومتی تلاش می‌کردند امتیازات کلیسای کاتولیک را کاهش دهند. کلیسای کاتولیک نیز به نوبه خود علیه تجلذطلبی^۵ در همه اشکالش موضع مخالف داشت. در نتیجه، در اوضاع و احوال تغییرات بزرگ اجتماعی، آرامش^۶ و هدایتی^۷ که موضع ضد نوگرایی مذهب کاتولیک فراهم می‌کرد جنبه حفاظتی^۸ داشت.

مذهب از این پس از آن سلطه فرهنگی که پیشتر برای کاتولیک‌های رومی در مقابل دولت قرون وسطی یا برای کلیسای انگلیسی در مقابل دولت انگلیسی جورج‌ها وجود داشت، بی‌بهره شد. مقتضیات جدید اجتماعی، وضعیت دشوار «زمینه‌سازی»^۹ - یعنی تنظیم آگاهانه یا غیر آگاهانه تعالیم مذهبی متناسب با هنجارهای فرهنگی - را پیش آورده بود. تمام مذاهب، وقتی که «حقایق» ثابت را به واقعیت‌های متغیر زندگی مردم پیوند می‌دهند، در واقع در پی زمینه‌سازی جهت مناسب^{۱۰} جلوه نمودن هستند. طلوع مذاهب جدید یا تغییر جاذبه مذاهب پیشین همین فرآیند را منعکس می‌سازند. در ارتباط بین مذهب، فرهنگ و دولت، خصوصاً در آمریکا، تغییرات اساسی رخ داده است. به قول مارسدن^{۱۱} (۱۹۸۰)، آمریکای سال ۱۹۷۰ خود را یک ملت مسیحی (به

1. Integration
2. egoism
3. Altruism
4. Covour
5. Modernity
6. Solace
7. guidance
8. Protective
9. Contexttualization
10. Relevant
11. Marsden

معنای پروتستان) می‌دید. در پی شکست بنیادگراها در سال ۱۹۲۰ بر سر مسائل «خلقت» و «تکامل» تا دهه ۱۹۵۰ سازش وسیعی میان پروتستان، کاتولیک و یهود به وجود آمد. افول سلطه فرهنگی پروتستان به یک «تغییر زلزله‌ای»، «به فروپاشی متوسطین»^۱ و به فروپاشی پل واسط میان ایمان فردی و ایمان عمومی منجر شد. روف^۲ (۱۹۷۸) مدعی است ریشه این بحران در دهه‌های ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰ نه دینی، بلکه فرهنگی بود، اما برخی مذاهب به ناچار پیامد انتخاب فرآیند زمینه‌سازی خود را تحمل می‌کردند (به عبارت دیگر چوب انتخاب فرآیند زمینه‌سازی را می‌خوردند). پروتستان‌تیسیم لیبرال از شکست کلیسای مسیحی در دهه ۱۹۲۰ سوء تعبیر کرده و بیشتر تأییدکننده فرهنگ جاری شد. موج کلیسای انجیلی، که بعد از جنگ جهانی دوم شروع شد، نسبت به این صف‌بندی مجدد دینی فرهنگی، نسبت به فروپاشی الگوهای رسمی و جو ناهمخوان اخلاقی، و نسبت به نواقص موجود در انسجام سیاسی، اقتصادی و فرهنگی عکس‌العمل نشان داد.

مذهب کاتولیک و یهودیت، که از لحاظ تاریخی خارج از سلطه فرهنگ آمریکایی بودند، نیز به این تغییرات فرهنگی واکنش نشان دادند. اگرچه هربرگ^۳ (۱۹۶۰) تعبیر می‌کرد که مذهب کاتولیک از پیامدهای غیردینی کردن امور (سکیولاریزاسیون) رنج می‌برد، گرلی^۴ (۱۹۷۰) ظهور مذهب جدید و ابتکاری^۵ کاتولیک را با هوادارانی وفادار به سنت، با میراث مهاجری خود، و با اشتراک‌گرایی قومی خود، خاطر نشان ساخت. با این وجود این کاتولیک‌های «اشتراکی» به نظر می‌رسد به پروتستانی‌های پرس و جوگر بیشتر شبیه باشند تا پذیرفتگان چشم و گوش بسته ایمان که دورکیم در کتاب خودکشی توصیف کرده است.

یهودیت معاصر آمریکا نیز از توصیفی که دورکیم از آن‌ها کرده بود دور می‌شوند. انجمن‌های غیردینی یهود (مثل تشکل‌های محلی برای فعالیت رفاهی، تحصیلی و فرهنگی) به علاوه هم‌خوانی پیوندهای قومی و مذهبی، قدرت دین یهود را تقویت می‌کنند. با این وجود

1. The Middle
2. Roof
3. Herberg
4. Greeley
5. Self - styled

دورکیم، خودکشی و مذهب

همان‌طور که استینبرگ (۱۹۷۳) اشاره می‌کند، قدرت حفاظتی دین یهود هنوز ممکن نیست به یهودیان نسل سوم که بر اساس سلسله مراتب مذهبی فاقد پیوندهای سنتی هستند گسترش یابد. در مجموع، سه فرآیند اجتماعی - تاریخی زیر رابطه مذهب و جامعه را تغییر دادند:

(۱) غیردینی کردن امور (یا سکولاریزاسیون)^۱

(۲) وحدت کلیساگرایی^۲

(۳) احیاء آیین مسیحیت انجیلی^۳

آن دسته از بررسی‌های خودکشی که در یافتن تأثیر حفاظتی مذهب قاصر هستند به ایده سکولاریزاسیون تکیه می‌کنند. نظریه پردازان سکولاریزاسیون یا غیردینی کردن امور مرگ اجتناب‌ناپذیر مذهب را، بخاطر ناسازگاری اساسیش با جامعه جدید و عدم توانایی‌اش در روبرو شدن با علایق فردی، پیش‌بینی می‌کردند، تحلیلگران روند وحدت کلیسایی نتیجه‌گیری می‌کنند که هیچ تفاوت معناداری بین مذاهب وجود ندارد. آنان جنبش وحدت کلیسایی دهه ۱۹۶۰ را به عنوان همگن‌کننده مذاهب اصلی غرب و چشم‌انداز فرهنگی آمریکایی‌ها تعبیر می‌کنند. با این وجود کولینز (۱۹۸۲) خاطرنشان می‌کند که «انتظار فروپاشی دین بر اثر پیشرفت عقلانیت نقادی نشده است». نه فقط مذاهب اصلی تاب تحمل آوردند (حتی برخی از مذاهب احیاء در دین نشان می‌دهند) بلکه فرهنگ‌های مذهبی «ضد فرهنگ» [حاکم] هم پیدا شدند، که بسیاری از آن‌ها سابقه طولانی شگفت‌آوری را نشان می‌دهند. علاوه بر این، فرقه‌های پروتستان انجیلی و بنیادگرا که کمتر از همه با روحیه وحدت کلیساگرایی توافق دارند رشد کمی زیادی کرده‌اند.

این جریانات اشاره بر این دارند که تفاوت‌های مهمی در میان گروه‌های پروتستان آمریکا ظهور کرده است و این که اختلاف کمتری بین برخی از فرقه‌های پروتستانی و مذهب کاتولیک یا دین یهودیت وجود دارد. اگر این امر درست باشد مقایسه «پروتستان‌ها» با کاتولیک‌ها در تئوری دورکیم اهمیت کمی پیدا می‌کند. دلیلی وجود ندارد تا در این مسأله که کاتولیک‌ها متفاوت از برخی از فرقه‌های پروتستانی هستند تردید کنیم. چنین یافته‌ای نقطه ضعفی را در

1. Secularization
2. ecumenicalism
3. evangelical revival
4. Homogenizing

نظریه دورکیم نشان نمی‌دهد؛ بلکه فایده به کاربردن ایده‌های نظری در تبیین اثر مذهب در یک زمینه فرهنگی اجتماعی به یک عصر یا زمان دیگر را زیر سؤال می‌برد. آن همچنین مستلزم بررسی مجدد علل تفاوت‌های اساسی موجود در اثرات حمایتی^۱ یا تخریبی^۲ مذاهب روی خودکشی است.

با این زمینه بحث، رابطه بین وابستگی مذهبی و خودکشی در این مقاله مورد بررسی قرار می‌گیرد. برخی انحرافات از یافته‌های سنتی دیده می‌شود. بدین شکل که مذهب کاتولیک و برخی از فرقه‌های پروتستان یک اثر حمایتی یا حفاظتی دارند. در حالی که دیگر فرقه‌های پروتستان نرخ خودکشی را افزایش می‌دهند. تلاش دیدگاه‌های رقیب بر این است که این تفاوت را برحسب تفاوت‌های نظری موجود در مذاهب (مثل: محافظه‌کاری دینی، وحدت کلیساگرایی، نحوه اداره کلیسا، کشش فرهنگی) توجیه کنند. اما این مقاله مدعی جستجوی یک تبیین مناسب‌تر است. برای این کار بر «اجتماع»^۳ مذهبی تکیه می‌شود، خصوصاً بر میزانی که مذاهب بر حسب مشارکت هواداران و برخوردارهای شبکه‌ای آنان متفاوتند. برای دسترسی به این هدف، نظریه دورکیم را به زبان شبکه‌ای از نو طراحی کرده، و معتقدیم که گزاره‌های دورکیم را می‌توان با ایده‌های ساختی جاری و همچنین ایده‌های اجتماعی روانی نظریه شبکه‌ای تقویت کرد.

داده‌ها، اندازه‌گیری‌ها و روش‌ها

بررسی تجربی این تحقیق از یک فرآیند دو مرحله‌ای تشکیل شده است:

اول، تحلیل داده‌های میدانی، تا ارتباط مستمر مذهب را با خودکشی آگاهانه در آمریکا ثابت کنند و ببینند که آیا تغییرات فرهنگی اجتماعی اثرات متفاوتی بر فرقه‌های مختلف پروتستان ایجاد می‌کند؛

1. Protective
2. aggravating
3. Community

دور کیم، خودکشی و مذهب

دوم، استفاده از نتایج تحلیل فوق در کشف معنای نظری اثرات فرقه‌ای؛ به عبارت دیگر، از نتایج «مرحله اول» در بررسی اثرات خالص مذهب بر خودکشی به عنوان «داده‌هایی» برای تحلیل سطح - فرقه‌ای^۱ استفاده می‌شود.

واحد تحقیق، مناطق سرشماری^۲ است. N کل ۴۰۴ منطقه می‌باشد (آلاسکا و هاوایی استثناء شده‌اند). داده‌ها همه مربوط به سال ۱۹۷۰ می‌باشند. اطلاعات مربوط به مذاهب موجود در شهرستان‌ها از دفاتر سرشماری به دست آمده است. در مورد نرخ خودکشی نیز از آمارهای مرکز ملی آمارهای بهداشتی استفاده شده است. تحلیل محدود به بزرگسالان سفیدپوست بوده و سیاهپوستان استثناء و کنار گذاشته شده‌اند. چون معتقدند داده‌های مربوط به نرخ خودکشی و وابستگی مذهبی سیاهپوستان قابل اعتماد نیست. برای اطلاعات مربوط به وابستگی مذهبی یهودیان از سالنامه یهودیان آمریکایی بهره برده شده است. نرخ خودکشی در جامعه آمریکا در هر ۱۰۰ هزار نفر به طور متوسط ۱۰/۱۹ نفر با انحراف معیار ۳/۲۷ بود.

در مرحله تحلیل داده‌ها، آنچه که مورد ملاحظه قرار گرفته این است که آیا وضعیت جغرافیایی و اقتصادی اجتماعی برخی از گروه‌های مذهبی تأثیر مذهب را بر خودکشی محو کرده یا برعکس بزرگ می‌کنند. تحقیق قبلی خودکشی اشاره بر این داشت که اثرات مذهب روی خودکشی می‌تواند توسط عواملی چون طلاق، مهاجرت، یا موقعیت اقتصادی اجتماعی مخدوش شود. براساس این ملاحظات، یعنی داده‌های قابل دسترس و تحلیل‌های اولیه، متغیرهایی به شرح زیر در سطح شهرستان، به عنوان کنترل در معادلات «اثرات مذهب» وارد شده‌اند:

۱. متوسط درآمد و تحصیلات برای کنترل موقعیت اجتماعی
۲. نرخ مهاجرت و نرخ طلاق برای کنترل عوامل مخدوش‌کننده یاد شده
۳. درصد زنان و متوسط سن برای کنترل تفاوت‌های جنسی و سنی در خودکشی

1. denominational

۲. County group یک دفتر سرشماری است که تعدادی از روستاهای همجوار را که جمعیت کل آن‌ها بیش از ۲۵۰/۰۰۰ نفر باشد در برمی‌گیرد.

روی خصوصیات سازمانی هم به طور ویژه تأکید شده است و منظور از آن درصدی از جمعیت شهرستان است که زیر پوشش نظام‌های بازرسی^۱، خدمات شهری^۲، خدمات پاتولوژی و داروهای سمی در دسترس و ... قرار دارند. و در نهایت، تأثیر تفاوت‌های منطقه‌ای (شمال شرقی، جنوب، غرب میانه و جنوب غربی؛ غرب حذف شده است) و تراکم شهری/روستایی مورد ملاحظه قرار گرفته‌اند.

برای محاسبه اثر مذهب روی نرخ خودکشی، از رگرسیون چند متغیره استفاده می‌شود که شکل کلی آن در معادله زیر نشان داده شده است:

$$S_i = b_0 + b_1 \text{ مذهب } 1 + b_2 \text{ مذهب } 2 + \dots + b_{27} \text{ مذهب } 27 + C_1 \text{ کنترل } 1 + C_2 \text{ کنترل } 2 + \dots + C_{12} \text{ کنترل } 12 + d_1 \text{ منطقه } 1 + d_2 \text{ منطقه } 2 + \dots + d_p \text{ منطقه } p + F_i \text{ کنترل آماری} + e_i$$

در این تحقیق چون همه شهرستان‌ها مورد مطالعه قرار گرفته‌اند لذا مسأله نمونه‌گیری در کار نیست. و ضرایب محاسبه شده همگی نشان‌دهنده پارامترهای جمعیت هستند نه برآورد آن‌ها، لذا آزمون‌های سطح معنی‌داری آماری اهمیت معمول خود را ندارند و قابل استفاده نیستند.

نتایج

جدول شماره ۱ تحلیلی آرایه می‌دهد که از مذهب کاتولیک، دین یهود و فرقه‌های مختلف پروتستانی استفاده می‌کند. نتایج تحلیل‌های رگرسیونی آرایه شده دو مدل را در برمی‌گیرد:

1. examiner
2. holding

یکی شامل متغیرهای مذهب به تنهایی و دیگری به همراه کنترل‌های مختلف اجتماعی. در جدول مذکور، ضرایب استاندارد نشده رگرسیون (b) و اشتباه استاندارد آن‌ها (SE) (با یادآوری این که این ضرایب پارامترهای جمعیت را نشان می‌دهند (چون تمام شماری شده است) نه برآورد آن‌ها را) آمده است. جدول شماره ۱ ضرایب تعدیل شده یا بتا β را هم ارائه می‌دهد. اثر کنترل‌های اجتماعی جمعیتی، ساخت اجتماعی، و منطقه/تراکم ارابه نمی‌شود، چون آن‌ها مستقیماً به کار نظری موجود مربوط نمی‌شوند. در نتایج گزارش شده، کنترل‌ها عموماً تأثیر ضرایب مذهبی را تغییر نمی‌دهند (جهت رابطه‌ها را عوض نمی‌کنند) اما روی نرخ خودکشی تأثیر مهم و قابل توجهی دارند.

به طور کلی، نتایج این بررسی آشکار می‌سازد که مذهب به تأثیر خود بر نرخ خودکشی ادامه می‌دهد. حتی با وارد کردن کنترل‌ها اثر برخی از مذاهب بازهم زیاد است و همان علامت قبلی خود را حفظ می‌کند. تعدادی از مذاهب تأثیر نسبتاً زیاد و ثابتی به طور مستمر اعمال می‌کنند. نواحی که درصد بیشتری افراد کاتولیک، باپتیست انجیلی و نصرانی دارند نرخ خودکشی کمتری را نشان می‌دهند. تأثیر حفاظتی کلیساهای طرفدار نهضت اصلاحی به نظر می‌رسد ثابت اما نسبتاً کوچک باشد. بر حسب ضرایب تعدیل شده (β)، مذهب کاتولیک به طور متوسط بیشترین حفاظت را اعمال می‌کند. یهودیت به خصلت حفاظتی خود ادامه می‌دهد، چون علامت ضریب منفی است. اما برحسب نواحی مختلف نه بزرگ و نه ثابت است. همچنین از لحاظ نظری این نکته مهم است که همه مذاهب تأثیر حفاظتی ندارند. برای مثال وجود پیروان کلیسای اسقفی تأثیر تخریبی دارد (به علامت مثبت آن توجه شود). فرقه‌های پروتستانی که وجودشان نرخ خودکشی را در نواحی افزایش می‌دهد غالباً «خط اصلی»، «جریان اصلی» یا «خط قدیمی» هستند (یعنی پیروان کلیسای اسقفی، پرسبیتریایی‌های بنیادی، متدیست‌های بنیادی، کلیسای متحد مسیحی). در واقع، سه تا از این‌ها کانون پروتستان‌تیسیم لیبرال را تشکیل می‌دهند. برعکس، فرقه‌های پروتستانی که حضورشان حفاظتی‌ترین تأثیر را اعمال می‌کنند غالباً انجیلی هستند: مانند «نصرانی‌ها»، «باپتیست‌های انجیلی»، «معتقدین به ظهور مسیح در روز یکشنبه»، و «کلیسای خدا» چهار فرقه‌ای هستند که از خطوط انجیلی/در مقابل بنیادی منشعب می‌شوند. شاخه انجیلی همیشه تأثیر حفاظتی تری دارد (یا حداقل کم‌ضررتر است). خصوصاً، برای

دورکیم، خودکشی و مذهب

متدیست، قلمروهایی با درصد بالاتری از شاخه انجیلی، میزان پایین‌تری از خودکشی را گزارش می‌کنند. در مجموع، این نتایج اهمیت نظری و روش‌شناختی مطالعات مذهب و خودکشی را در بردارند. آن‌ها نشان می‌دهند که وابستگی مذهبی و نرخ خودکشی در جامعه معاصر آمریکا به هم مرتبط هستند. و همچنین این نتایج نشان می‌دهند که اثرات مذهب بر نرخ خودکشی پیچیده‌تر از نظریه دورکیم یا تحقیق تجربی که بر اساس ایده‌های مورد اشاره دورکیم حاصل شده است می‌باشد. به طور خاص، اگرچه مذهب کاتولیک به اعمال تأثیر حفاظتی خود روی نرخ خودکشی ادامه می‌دهد، برخی فرقه‌های پروتستانی، عمدتاً از نوع انجیلی، نیز این چنین عمل می‌کنند، در حالی که بسیاری از فرقه‌های پروتستانی بنیادی نرخ خودکشی را افزایش می‌دهند. فرضیه‌های مشخص دورکیم درباره تأثیر حفاظتی مذاهب خاص در بهترین وضعیت فقط تا حدی^۱ تأیید می‌شوند.

تبیین‌های نظری

در این قسمت بین ایده‌های دورکیم درباره خودکشی، ایده‌های جاری موجود در جامعه‌شناسی مذهب، و نظریه شبکه‌ای اتصال برقرار می‌گردد.

مارتی^۲ (۱۹۷۶) مدعی بود: آنچه که مذاهب را در آمریکای امروز از هم تمییز می‌دهد رفتار اجتماعی^۳ است. آنچه که مردم انجام می‌دهند دقیقاً همان چیزی نیست که عقیده دارند. کلیساها «اجتماعات طبیعی» هستند که وابسته به عواملی چون مشارکت اعضاء و اجتماعی شدن تازه واردان توسط اعضاء کلیسای مسیحی است. نظریه شبکه‌ای کلیدی فراهم می‌آورد تا این ایده‌ها را با بُعد یکپارچه‌سازی^۴ مذهب که در فرمول‌بندی اصلی دورکیم یافت می‌شود ترکیب کنیم. بیان دورکیم از محور یکپارچه‌سازی اجتماعی با این نقطه شروع نظریه شبکه‌ای مطابقت دارد که «ماهیت روابط اجتماعی (یا ساخت اجتماعی) بر روی طرز تلقی‌های فردی، باورها، و

1. Partially
2. Marty
3. Social behavior
4. Integration

رفتار افراد تأثیر می‌گذارد». یا «آرامش مذهبی از تعامل اجتماعی منتج می‌شود و به شدت آمیزش یا حشر و نشر در پیوندهای شبکه‌ای، بُعد تعلق به مذهب، وابسته است».

دورکیم در کتاب معروف «خودکشی» مذهب را فقط دارای بعد «یکپارچه‌سازی» می‌داند. در حالی که از دیدگاه شبکه‌ای، مذهب علاوه بر بعد «یکپارچه‌سازی» (یا انسجام‌بخشی) بعد «تنظیم بخشی»^۱ نیز دارد. و این دو، دو کارکرد کاملاً مجزا از هم هستند و به عنوان دو جنبه هر نوع شبکه اجتماعی (از جمله مذهب) تلقی می‌گردد.

قبل از اقدام به توضیح شبکه‌ای، دیدگاه‌های رقیب، برای فهم تفاوت میان فرقه‌های مختلف مسیحی و ربط آن‌ها به دیدگاه شبکه‌ای، مورد ملاحظه قرار می‌گیرند. جامعه‌شناسان مذهب تلاش دارند تا جوهر تفاوت‌های موجود در فرقه‌های پروتستانی در خصوص خودکشی را از طریق تیپولوژی و طبقه‌بندی مذاهب از بُعد نظری تبیین نمایند. جدول شماره ۲ تحلیل مجلدی را نشان می‌دهد که در آن هر یک از فرقه‌های ۵۲ گانه پروتستان به یک مقوله لیبرال یا محافظه کار اختصاص می‌یابند (و جایی هم ممکن است به لیبرال، میانه‌رو، و محافظه‌کار تقسیم شوند).

همان‌طور که در جدول شماره ۱ دیدیم مذهب کاتولیک و دین یهودیت تأثیر حفاظتی داشتند، اگرچه تأثیر یهودیت کمتر بود. مقوله‌های جدول شماره ۲ به نظر می‌رسد الگوهای مبسوط‌تری برای تحلیل ارائه می‌دهند. در نواحی که پروتستان‌های لیبرال (وبعد از آن پروتستان‌های میانه‌رو) بیشتری حضور دارند نرخ خودکشی بالاتری دیده می‌شود. و در نواحی که پروتستان‌های محافظه کار بیشتری حضور دارند نرخ پایین‌تری از خودکشی گزارش می‌شود. اگر تحلیل را از این نقطه شروع کنیم ممکن است اغوا شویم که پس تفاوت در نرخ خودکشی به مواضع متفاوت این مذاهب نسبت به مسئله خودکشی برمی‌گردد. بدین شکل که مذاهب محافظه‌کار روی تحریم‌های خود سخت‌گیرترند. اما دو عامل باعث می‌شود که طور دیگری اندیشید: اول این که مذاهب محافظه‌کار و لیبرال کمتر از آنچه که فکر می‌شود متفاوتند.

1. Regulating

دور کیم، خودکشی و مذهب

جدول شماره ۲. تحلیل رگرسیون از مقوله‌بندی‌های مذهبی روی نرخ خودکشی
برای شهرستان‌های آمریکا، سال ۱۹۷۰

مقوله‌های مذهبی	b	(t)	b تعدیل شده (یا β)
تابلوی ۱			
- پروتستان	۶/۵۳x	(۲/۸۷)	۱/۰۸
- لیبرال	-۱/۳۷	(-۰/۷۸)	-۰/۱۸
- محافظه کار	-۰/۹۶	(-۰/۲۱)	-۰/۱۹
- کاتولیک	-۲/۵۴	(-۰/۷۷)	-۰/۰۴
- یهودی	-۷/۲۱		
ثابت	-۱/۵۴		
R ²	۲۱/۷۳		
F کل	$\alpha < 0/01$		
سطح معناداری			
تابلوی ۲			
- پروتستان	۷/۷۷+	(۱/۶۸)	۰/۶۱
- لیبرال	۳/۷۰	(۰/۹۴)	۰/۲۰
- میانه‌رو	-۱/۶۹	(-۰/۹۹)	-۰/۲۰
- محافظه کار	-۰/۹۴	(-۰/۶۶)	-۰/۱۹
- کاتولیک	-۲/۸۹	(-۰/۸۷)	-۰/۰۵
- یهودی	-۷/۸۰		
ثابت	-۱/۵۴		
R ²	۲۰/۷۳		
F کل	$\alpha < 0/01$		
سطح معناداری			
تابلوی ۳			
- پروتستان	۷/۹۵x	(۲/۹۹)	۱/۰۴
- وحدت کلیسایی	-۱/۵۳	(-۰/۹۰)	-۰/۱۷
- غیروحدت کلیسایی	-۰/۶۴	(-۰/۴۶)	-۰/۱۳
- کاتولیک	-۲/۲۱	(-۰/۶۶)	-۰/۰۴
- یهودی	-۹/۸۸		
ثابت	-۱/۵۴		
R ²	۳۱/۸۰		
F کل	$\alpha < 0/01$		
سطح معناداری			
تابلوی ۴			
- پروتستان	۹/۵۴x	(۲/۴۱)	۰/۹۴
- با کشش کم	۵/۹۳x	(۲/۰۰)	۰/۳۸
- با کشش متوسط	-۰/۸۹	(-۰/۴۲)	-۰/۰۹
- با کشش متوسط بالا	-۰/۵۷	(-۰/۲۳)	-۰/۰۱
- با کشش بالا	-۰/۳۱	(-۰/۲۲)	-۰/۰۶
- کاتولیک	-۲/۳۴	(-۰/۶۷)	-۰/۰۴
- یهودی	-۷/۰۸		
ثابت	-۱/۵۴		
R ²	۱۹/۸۷		
F کل	$\alpha < 0/01$		
سطح معناداری			
تابلوی ۵			
- پروتستان	۸/۰۶	(۱/۷۸)	۰/۶۴
- رویه اسقفی	۵/۲۳x	(۲/۰۹)	۰/۳۶
- رویه پرسبترایی (اداره مشایخ)	-۱/۲۲	(-۰/۵۴)	-۰/۱۳
- رویه کنگره‌ای	-۰/۸۶	(-۰/۶۰)	-۰/۱۷
- کاتولیک	-۳/۱۴	(-۰/۹۵)	-۰/۰۶
- یهودی	-۷/۲۵		
ثابت	-۱/۵۴		
R ²	۲۰/۵۱		
F کل	$\alpha < 0/01$		
سطح معناداری			

x سطح معناداری ضرایب در $\alpha < 0/05$ ، و آزمون دو دامنه‌ای

+ سطح معناداری ضرایب در $\alpha < 0/10$ ، و آزمون دو دامنه‌ای

با نمایندگان ۲۷ هیأت مذهبی تماس گرفتیم و درباره موضع رسمی آنان در خصوص مسأله خودکشی سؤال کردیم. اما فقط دو گروه (کاتولیک‌ها و طرفداران نهضت اصلاحی) مدعی بودند که رویه رسمی در این زمینه دارند (ششمین فرمان و یک مقاله دینی اخیر درباره خودکشی) و بقیه همه مدعی بودند که اظهارات رسمی غیر از همان فرمان ندارند. برخی نمایندگان فرقه‌های مذهبی محافظه‌کار خودکشی را یک گناه ولی بقیه آن را قابل بخشش می‌دانستند. به طور خلاصه، اگر کلیساهای پروتستان محافظه‌کار علیه خودکشی حفاظتی‌تر هستند، علت آن برخی از عقاید دینی آنها نیست. آنچه که گروه‌های مذهبی را از هم جدا می‌کند درجه مطابقت اعمال آنها با تحریم‌های مذهبی است. این امر اساساً به ماهیت اجتماع مذهبی و به پیوندهایی که افراد را به آن مقید می‌کنند بستگی دارد. قواعد اخلاقی باید توسط اجتماعی منسجم^۱ پشتیبانی شود تا دوام یابد؛ بدون پشتیبانی لازم مذکور، عقاید، وفاداری‌ها^۲ و هویت‌ها^۳ از بین می‌روند.

اقرار می‌شود که منکر اهمیت عقاید نیستیم و ادعا هم نداریم که بین عقاید و شبکه‌ها نظم علی وجود ندارد. بلکه معتقدیم اشاره به این که عقاید و ارزش‌ها عمیقاً در شبکه‌های اجتماعی مردم ریشه دارد به این معنا نیست که استدلال شود اولی علائم ثانویه^۴ دومی است بلکه صرفاً تأکید بر این است که پیوندهای اجتماعی نقش اساسی در انطباق^۵، ابقاء^۶ و تغییر^۷ آنها دارد.

عامل دوم این که، تقسیم مذهب به وحدت کلیسایی و غیروحدت کلیسایی؛ بر حسب سلسله مراتب در حاکمیت کلیسا. یعنی اداره توسط انجمن مشایخ (پرسبیتریایی)^۸، اداره اسقفی^۹، و اداره توسط شورایی از عبادت‌کنندگان کلیسا^{۱۰}، و کشش-پایین، میانه، بالا-به محیط اجتماعی فرهنگی پیرامون، ملاک‌هایی هستند که اشاره به تأثیر عوامل تاریخی، سازمانی یا

1. cohesive
2. loyalties
3. Identities
4. epiphenomena
5. adoption
6. retention
7. modification
8. Presbyterian
9. Episcopal
10. congregational

دور کیم، خودکشی و مذهب

فرهنگی به عنوان تفاوت‌گذار فرقه‌های پروتستان داشته و نیز اشاره می‌نمایند که چرا نرخ خودکشی در میان این فرقه‌ها متفاوت است.

از جدول شماره ۲ دریافت می‌شود که انواع تیپولوژی‌ها، الگوی نتایج کم و بیش مشابهی دارند. اگر یک فرقه مذهبی، لیبرال (یا تا اندازه‌ای معتدل) یا معتقد به وحدت کلیسا یا دارای کشش کم و متوسط (به محیط اجتماعی فرهنگی) یا دارای سبک اداره‌ی مشایخی یا اسقفی شد در خصلت حفاظتی ناتوان است (به علامت مثبت ضرایب توجه شود). و برعکس، اگر یک فرقه مذهبی محافظه‌کار، بی‌اعتقاد به وحدت کلیسا یا دارای گرایش متوسط رو به بالا و بالا (به محیط اجتماعی فرهنگی) باشد، نرخ خودکشی پایینی گزارش می‌دهد (به علامت منفی ضرایب توجه شود).

در این جا با یک آشفتگی در تبیین‌های محتمل روبرو هستیم. چون هر تیپولوژی به جنبه خاصی از مذهب به عنوان یک بُعد حساس توجه داشته و انتخابی با احتمال مساوی در ساخت تبیینی نظری فراهم می‌آورد. این تیپولوژی‌ها به یک اندازه خوب در جذب الگوهای مبسوط مذهبی به کار می‌آیند، تا حدی بدین خاطر که آن‌ها به هم وابسته هستند - مثلاً مذاهب لیبرال تمایل به وحدت کلیسا دارند، با ایده‌های فرهنگی رایج موافقت دارند و در سبک رسمی‌تری سازمان می‌یابند.

نظریه شبکه‌ای، راه‌حلی برای این تبیین‌های وابسته به هم ارائه می‌دهد. هر تیپولوژی رایج بُعد اساسی و حساسی از مذاهب معاصر آمریکایی ارائه می‌دهد: «ماهیت و شدت پیوندهای اجتماعی». جامعه‌شناسان مذهب دریافتند که پروتستانی‌های محافظه‌کار احتمال بیشتری دارد که در فعالیت‌های مذهبی مشارکت داشته باشند و افراد هم‌کیش را بهترین دوستان خود بدانند. به پروتستان‌های خط اصلی، لیبرال یا معتقد به وحدت کلیسا اغلب به عنوان افراد غیرفعال اشاره می‌شود. زیرا که مطالعات نشان می‌دهد، آن‌ها زیاد در کلیسا شرکت نمی‌کنند و اغلب همدیگر را نمی‌شناسند. ساخت سلسله مراتبی فرقه‌های لیبرال نقش منفعلی برای اعضای خود فراهم می‌آورد. محققین معتقدند ساخت سازمانی، پیوندهای اجتماعی محدود یا بسته^۱ مذاهب کوچک‌تر را که موجب مشارکت کمتر اعضا می‌شود جایگزین می‌نماید. در حالی که در

1. close

کلیساهای محافظه‌کار، گروه‌های نخستین با مقدار زیادی روابط چهره به چهره تشکیل می‌شود، در بین کلیساهای لیبرال، ضعف پیوندهای گروهی دیده می‌شود. این کلیساهای محافظه‌کار برخی از منسجم‌ترین اجتماعات غیرقومی جامعه آمریکا را تشکیل می‌دهند.

شواهد و مدارکی وجود دارد که نشان می‌دهد وابستگی^۱ مذهبی، عمل پیوندهای شبکه‌ای را منعکس می‌سازد. از آن جا که دسترسی مستقیم به قربانیان خودکشی امکان‌پذیر نیست برای این کار به روش غیرمستقیم توسل جسته و داده‌های تعدادی از بررسی‌های اجتماعی انجام گرفته مورد کندوکاو قرار می‌گیرد. در تحلیلی که گزارش کامل آن در این جا نیامده است، متوجه شدیم که در سراسر تیپولوژی‌های مذهبی، مشارکت افراد در اجتماعات مذهبی به طریقی سازگار با انتظارات شبکه‌ای به طور منظم و سیستماتیک تغییر می‌کند. این نتایج با تنوع مجموعه داده‌های قابل دسترس سازگار بوده و برای قلمرویی از پیوندهای شبکه‌ای غیررسمی نیز معتبر هستند. برای مثال، هواداران دین یهود یا هواداران مذاهب پروتستان لیبرال، معتقد به وحدت کلیسا^۲، با کشش پایین (به محیط فرهنگی اجتماعی)، و با سبک اداره اسقفی نسبت به هواداران مذهب کاتولیک یا هواداران فرقه‌های پروتستان محافظه‌کار، بی‌اعتقاد به وحدت کلیسا، با کشش متوسط رو به بالا یا بالا (به محیط فرهنگی اجتماعی)، با سبک اداره کنگره‌ای (شورائی) احتمال کمتری دارد که در مراسم هفتگی شرکت کنند.

یک شاخص مستقیم‌تر، که درصد پاسخگویانی است که در هر مذهب گزارش می‌دهند از هم‌کیشان خود دوستانی ندارند، به نظر می‌رسد مطلب فوق را حمایت می‌کند. در حالی که فقط ۱۰٪ کاتولیک‌ها فقدان دوستی میان هم‌کیشان خود را گزارش می‌دهند. نزدیک به نصف هواداران لیبرال، معتقد به وحدت کلیسا، با کشش پایین (به محیط فرهنگی اجتماعی)، یا دارای سبک اداره اسقفی چنین گزارش می‌دهند (۴۳/۹ تا ۴۶ درصد). و هواداران محافظه‌کار احتمال کمتری را گزارش می‌دهند (۲۹/۵ تا ۳۲ درصد).

این نتایج کمک می‌کند تا یک پل تجربی بین این تیپولوژی‌ها و تبیین شبکه‌ای ایجاد شود. در سرتاسر بررسی‌های اجتماعی موجود، این نکته پیداست که مذاهب دارای بیشترین حضور

1. affiliation
2. ecumenical

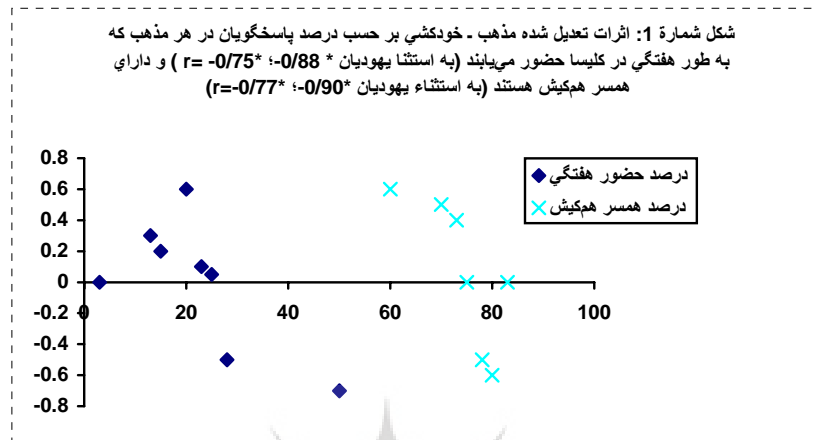
دورکیم، خودکشی و مذهب

اعضاء در مراسم دعا، بیشترین تأثیر حفاظتی را در برابر خودکشی دارند. شکل شماره ۱ تصویری از این جریان کلی را نشان می‌دهد. شکل مذکور نشان می‌دهد که هر چه افراد فرقه^۱، بیشتر در مراسم هفتگی شرکت کنند، اثر حفاظتی آن مذهب بیشتر است. این نتیجه هر چند که در مقدار و میزان ثابت نیست در میان همه بررسی‌ها دیده می‌شود. همچنین این شکل نشان می‌دهد که فرقه‌های با تجانس مذهبی بیشتر غالباً تأثیر حفاظتی دارند. در نقشه‌ای^۲ که در این جا ارایه نشده است دریافتیم، فرقه‌هایی که هوادارانشان، متوسط تعداد دوستان و خویشاوندانی که با آن‌ها هم‌کیش هستند را زیاد اعلام می‌کنند، حفاظتی‌ترین اثر را دارند (به استثنای یهودیان*
($r = -0.67^+$ و -0.89).

نکته بسیار مهم این که فقط پیوندهای غیررسمی و پیوندهایی که به طور خاص بر مذهب مبتنی هستند این اثرات را نشان می‌دهند. شاخص‌های پیوندهای عام‌تر شبکه‌ای (مثل مقیاس تراکم و الگوهای دیدار^۳) به ندرت بزرگ یا حتی متوسط یا در علامت، هماهنگ هستند. پیوندهای رسمی شبکه‌ای، به جز آن پیوندهایی که در بالا گزارش شد، با اثرات مخرب هم‌بسته می‌باشند. فرقه‌هایی که اعضای آن‌ها عضویت سازمانی بیشتری دارند به احتمال زیاد اثرات مخرب را گزارش می‌کنند (به استثنای یهودیان* 0.70 و $r = 0.52$) پس، یافته‌های تحقیق به نظر نمی‌رسد که محصول پیوندهای شبکه‌ای در معنی عام باشند. تمایز بین کلیسا رفته و کلیسا نرفته بعد مهمی می‌شود. مسأله اصلی این نیست که آیا افراد خودشان را رسماً به عنوان دارنده یک وابستگی مذهبی معرفی می‌کنند یا خیر؛ بلکه مسأله اصلی این است که آیا آن‌ها در عمل بخشی از اجتماع کلیسا یا معبد می‌شوند یا خیر. این مشارکت در شبکه‌ها به طریقی سازگار با اثرات حفاظتی یا مخرب مذاهب روی خودکشی تغییر می‌کند.

۱. در تحقیقات مذکور واحد تحلیل فرقه بوده است نه زمینه جغرافیایی.

2. plot
3. visiting patterns



بازسازی تئوری: به سوی یک مفهوم‌سازی شبکه‌ای

فرآیند مفهوم‌سازی شبکه‌ای را از ایده‌های دورکیم شروع می‌کنیم. دورکیم معتقد بود که مذهب از افراد خود در مقابل کشش‌های مخرب درونی آن‌ها محافظت می‌کند. چون که مذهب خود یک جامعه^۱ است؛ مذهب پروتستان چون که یک جامعه کمتر انسجام یافته است کمتر محافظت می‌کند. دورکیم برای ارائه مثال، نه به یک جامعه که به چندین جامعه سیاسی و بومی اشاره می‌کند.

سه پیشنهاد نظری برگرفته از سنت شبکه‌ای وجود دارد که قبول آن‌ها به تبیین دورکیم روشنی بیشتری می‌بخشد و باعث می‌شود که استفاده از نظریه مجدداً فرموله شده دورکیم در جامعه معاصر مفید تلقی گردد. این پیشنهادات عبارتند از:

۱. اگر در خلاصه ایده‌های یاد شده از دورکیم واژه «جامعه» را به «شبکه» تغییر دهیم. بیان تعدد زمینه‌های اجتماعی روشن‌تر می‌شود. با وام گرفتن از تصور شبکه‌ای زیمل، یک فرد در جامعه معاصر متعلق به تعدادی از حلقه‌ها یا شبکه‌های اجتماعی است. بخش‌های انتزاعی جامعه - مثل «مذهب»، «خانواده» و «اقتصاد» - به قول فیشر^۲ (۱۹۸۲) واقعاً گردش کار^۳ شبکه‌های

1. Society
2. Fischer
3. Operation

دورکیم، خودکشی و مذهب

شخصی است. ابعاد مهم در این شبکه‌ها بر تعامل میان اعضاء، یعنی بر پیوندهای اجتماعی آنها متمرکز می‌شود. قدرت بالقوه پیوندهای یک فرد، تا حدی، به بافت خود شبکه وابسته است. بازده پنهان^۱ مذهب که جاذبه دائمی آن را توجیه می‌کند، به قول کولینز^۲ (۱۹۸۲) توانایی شبکه‌های مذهبی در فراهم آوردن منبع انرژی جمعی است که بر اساس آن افراد می‌توانند در طی ایام مشقت‌بار گلیم خود را از آب بیرون بکشند. و پیوندهای قومی حمایت عاطفی فراهم می‌کنند و به منابع معنوی دسترسی می‌یابند.

۲. با ایده‌های شبکه‌ای می‌توانیم به حل آشفتگی مفهومی که دو بُعد تبیینی دورکیم یعنی یکپارچه‌سازی یا انسجام‌بخشی^۳ و تنظیم‌بخشی^۴ را احاطه کرده است پردازیم. دورکیم در ابتدا مذهب را مستقیماً تنظیم‌بخش نمی‌دید، اما در کارهای بعدی^۵ به آن اعتراف می‌کند. در آن جا که از قدرت مذهب در «جلوگیری^۶» از کنش‌ها و به عنوان علت فشارهای اجتماعی^۷ به صراحت بحث می‌کند، مذهب هم منبع اقتدار و هم منبع آرامش هر دو می‌شود. این مفهوم‌سازی دوگانه و مجزا در گیج نمودن پژوهشگران ادامه می‌یابد. وجود پیوندها اشتباهاً با پیش‌بینی ممکن کارکردهایی چون حمایت و هدایت برابر پنداشته می‌شود. نظریه‌پردازان حمایت اجتماعی فقط اخیراً شروع به تمایز میان داشتن پیوندها و نیل به کمک از جانب آنها کرده‌اند و تحلیلگران شبکه اجتماعی شروع به مشخص کردن انواع کارکردهایی که با پیوندهای شبکه‌ای جور هستند، کرده‌اند. نظریه شبکه‌ای اجازه می‌دهد بین ساخت پیوندها و کارکردهای آنها از لحاظ تحلیلی تفکیک قائل شویم. یک کارکرد بالقوه شبکه‌های اجتماعی یکپارچه‌سازی یا انسجام‌بخشی^۸ یا توانائی فراهم نمودن حمایت اجتماعی و عاطفی است. یک کارکرد دیگر، تنظیم‌بخشی^۹ یا هدایت کنش از طریق نصیحت و رفتار اندرگونه می‌باشد. در حالی که کارکردهای انسجام‌بخشی و تنظیم‌بخشی ممکن است با هم رخ دهند، اما همیشه این‌گونه نیست. شدت

1. Hidden payoff
2. Collins
3. Integration
4. Regulation

۵. به طور مثال در کتاب صور ابتدایی زندگی دینی

6. inhibit
7. Social pressures
8. Integration
9. Regulation

پیوند نه فقط بر کارکرد انسجام‌بخشی، بلکه بر روی توانایی شبکه در انجام هر یک از دو کارکرد اثر می‌گذارد.

این فرآیند مفهوم‌سازی نیازمند دیدگاهی است که آن دو کارکرد را متأثر از هم ببیند. وقتی شبکه‌ها به طور متوسط یا حتی قویاً یکپارچه^۱ و منظم^۲ هستند، اعضاء از تحریکات یا کشش‌های درونی خود مخرب^۳ محافظت می‌شوند. اما وقتی که شبکه‌ها از تعادل یکپارچه‌سازی و تنظیم‌بخشی خارج شوند، آن عدم تعادل امکانی برای فرد فراهم می‌آورد تا در صورتی که بحران وخیم‌تر شد بر اساس تحریکات انتحاری^۴ عمل کند. به طور مثال، وقتی افراد در معرض اقتدار منظم مذهبی قرار می‌گیرند، اما از بسط پیوندهای به هم پیوسته قوی با افراد خارج از شبکه یا حتی با اعضاء داخل شبکه جلوگیری می‌شوند، احتمال خودکشی افزایش می‌یابد. به خاطر سطح پایین انسجام‌بخشی درون گروهی، این خودکشی‌ها از نظم بیش از حد^۵ ناشی می‌شوند و تقدیرگرایی^۶ واقعی هستند.

۳. ساخت‌های شبکه‌ای و کارکردها ضروری هستند، اما برای وقتی که خودکشی رخ می‌دهد قدرت تبیین کافی ندارند. شبکه‌ها در یک زمینه فرهنگی بزرگتر عمل می‌کنند که می‌تواند پذیرش هنجارها و باورهای عام فرهنگی را تسهیل کند یا مانع شود. زمینه‌های فرهنگی نیز، به نوبه خود، برای شکل‌گیری شبکه‌های مذهبی و تأثیر توانایی آن‌ها در ارائه یک منبع منحصر به فرد آرامش، اعضاء خود را تحت فشار^۷ قرار می‌دهند. برای مثال، مادامی که جامعه بزرگتر در بحران نیست مذاهب تصدیق‌کننده فرهنگ، کارکرد حفاظتی دارند، اما با بحران فرهنگی، این مذاهب نیز در بحران قرار می‌گیرند.

1. Integrated
2. regulated
3. Self - destructive
4. Suicidal
5. overregulation
6. Fatalistic
7. constrain

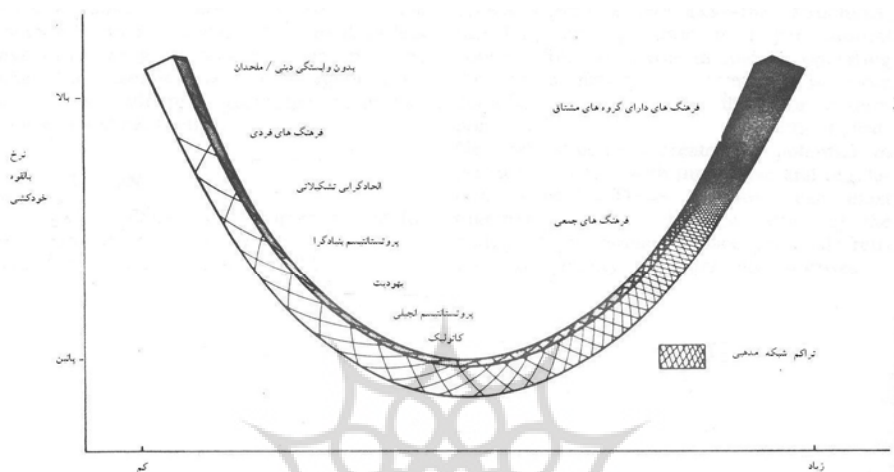
به سوی یک نظریه شبکه‌ای خودکشی در زمینه جدید

در پایان از نظریه شبکه‌ای در جهت تحلیل پدیده خودکشی استفاده کرده و آن را به شکل زیر نشان می‌دهیم. فرقه‌های مذهبی را عموماً می‌توان روی یک زنجیره تراکم شبکه‌ای قرار داد. تیپ‌های ایده‌آلی روی دوسر (دو قطب) این زنجیره یا طیف قرار می‌گیرند. در یک طرف فرقه‌هایی قرار دارند که در آن‌ها وابستگی مذهبی به شدت وجود دارد و در قطب دیگر فرقه‌هایی قرار دارند که هر نوع وابستگی مذهبی را انکار می‌کنند. شکل شماره ۲ نرخ خودکشی بالقوه بالا را در میان فرهنگ‌هایی نشان می‌دهد که مستلزم انکار همه پیوندهای خارجی شبکه و انکار خدا است. فرهنگ‌های به لحاظ اجتماعی و جغرافیایی ایزوله یا مجزا از همه، ساخت اجتماعی‌ای ایجاد می‌کنند که در آن تصمیمات نسبتاً اجتماعی است تا فردی. فرهنگ‌ها ممکن است درجه بالایی از انسجام را برای اعضای خود که با بحران فردی روبرو می‌شوند فراهم کنند. و این امر قدرت آن‌ها را در خودکشی‌های گریزناپذیر^۱ در صورت وجود بحران اجتماعی^۲ نفی نمی‌کند. ملحدان که با بحران روبرو می‌شوند نه در مشکلات، حمایت مذهبی به دست می‌آورند و نه علیه خودکشی نصیحت قوی (یعنی تنظیم‌بخشی). انجمن‌هایی چون مادالین^۳ و ... در حالی که مذهب را انکار می‌کنند، پیوندی فراهم می‌کنند که روی منافع مذهبی متمرکز می‌شود. چنین پیوندهایی ممکن است منبع حمایت غیررسمی یا تنظیم باشد.

همچنان که شدت تراکم شبکه از دو انتهای طیف افزایش یا کاهش می‌یابد، نرخ خودکشی کاهش می‌یابد. در مذاهب فردگرا، برای هر شخصی، خود مذهب او جلوگیری از «اجتماع» می‌کند. مذاهب بنیادی پیوندهای قوی‌تری ایجاد می‌کنند، اما حفاظت مذاهب انجیلی را فراهم نمی‌کنند. یهودی‌گری حفاظتی است اما کمتر. کاتولیک‌گرایی با میراث قومی و مهاجری خود در آمریکا، اجتماع شبکه‌ای قوی‌تری فراهم می‌آورد. گروه‌های دیگر که مذهب، آن‌ها را به خوبی اجتماعات جغرافیایی شکل می‌دهد (مثل آمیش^۴) حتی حمایت بیشتری در بحران‌های فردی

-
1. compelling
 2. community crises
 3. Madalyn
 4. the Amish

به عمل می‌آورند، اما وقتی که در اجتماع مذهبی بحران وجود دارد، ساختار غلیظ مذهبی می‌تواند مخرب باشد.



شکل شماره ۲. رابطه نظری فرضی بین تراکم شبکه‌ای و نرخ بالقوه خودکشی

نتیجه

بر طبق نظر دورکیم، آن چیزی که افزایش نرخ خودکشی را در پایان قرن نوزدهم توجیه می‌کرد زوال^۱ هنجارهای سنتی تشکیلات اجتماعی بود. او در تبیین این که چگونه تشکیلات اجتماعی تغییر می‌کند و چگونه این تغییرات بر نقش مذهب در زندگی مردم تأثیر می‌گذارد ناتوان بود. استفاده از نظریه شبکه‌ای می‌تواند این فاصله را پر کند. موضع دورکیم در این مقاله مجدداً به شرح زیر قالب‌ریزی می‌شود:

تغییرات اساسی در تشکیلات اجتماعی اساس تکوین یا شکل‌گیری شبکه را تغییر می‌دهد. در جامعه قرون وسطی، شبکه‌ها با پیوندهایی که بر عوامل جغرافیایی و روان‌شناختی مبتنی است تشکیل دایره‌های متحدالمرکز را می‌دهند. مردم از عهدۀ انتخاب‌های کمی در شبکه‌های بسته و از قبل تعیین شده برمی‌آیند. مذهب در این جا به این دلیل که از یکسو در تشکیلات اجتماعی فراجمعه‌ای قرار داشت و از سوی دیگر با حکومت پیوند می‌یافت، نقشی محوری در سامان

1. Deterioration

دورکیم، خودکشی و مذهب

دادن به شبکه‌ها بازی می‌نمود. در جامعه غربی اواخر قرن نوزدهم، شهرنشینی، صنعتی شدن، و مهاجرت، پایه تکوین یا شکل‌گیری شبکه را بر اساس «منافع فردی» تغییر می‌دهند. به قول زیمل، این شبکه‌ها عقلانی‌تر می‌شوند. در حالی که آزادی فردی بیشتری به اعضا می‌دهند، اما تنش‌های روانشناختی بیشتر و حمایت عاطفی کمتری به وجود می‌آید.

در مواجهه با پیوندهای شبکه‌ای متلاشی شده، افرادی که از حمایت‌های انسجام‌بخشی و تنظیم‌بخشی - هردو- دریغ می‌شوند بیشتر مرتکب خودکشی می‌شوند. در این دوران مذهب کاتولیک، که ضد تجددگرایی بود، به خوبی شبکه‌های سازمانی مدارس، بیمارستان‌ها، باشگاه‌های اجتماعی و مانند آن پایه وابستگی شبکه‌ای مستمر و قوی فراهم می‌آورد. و در نتیجه به عنوان منبع آرامش و هدایت دوام می‌یابد. در این ارزیابی مجدد از نظریه دورکیمی برحسب سنت شبکه‌ای بر سه جنبه حساس شبکه تأکید ورزیده می‌شود: (۱) ساخت شبکه، (۲) کارکرد شبکه و (۳) عمل در زمینه فرهنگی بزرگتر. ساخت‌های شبکه‌ای امکان فراهم نمودن اعضایی با منافع انسجام‌بخشی و تنظیم‌بخشی ایجاد می‌کنند. این کارکردها می‌توانند با هم یا بدون هم باشند، که بر توانایی افراد در روبرو شدن با بحران‌های فردی و بحران‌های اجتماع مذهبی، یا فرهنگی بزرگتر، تأثیر می‌گذارند.

جدول الف. ضمیمه. توصیف کامل متغیرهای کنترل

(۱) کنترل‌های اجتماعی - جمعیتی	
متوسط سن جمعیت شهرستان	- سن
شاخص نسبت به سطح فقر	- درآمد
متوسط سال‌های کامل شده تحصیلات برای جمعیت شهرستان	- تحصیلات
درصد نرخ رشد طی سال‌های ۱۹۶۰-۱۹۷۰ (در هر شهرستان)	- نرخ مهاجرت
درصد طلاق جاری (در هر شهرستان)	- طلاق
درصد زنان در هر شهرستان	- زنان
تعداد افراد برحسب هر مایل مربع (در هر شهرستان)	- تراکم
(۲) کنترل‌های ساختمان اجتماعی	
درصد جمعیت شهرستان که از خدمات دارویی دستگاه پزشکی بهره‌مند هستند.	- تسهیلات داروهای پزشکی
درصد جمعیت شهرستان که زیر پوشش نظام معاینات پزشکی هستند.	- نظام معاینات پزشکی
درصد جمعیت شهرستان که مأموران رسمی می‌توانند برای بازجویی آن‌ها را احضار نمایند.	- بازجویی مورد استفاده ^۱
درصد جمعیت شهرستان که دارای مأمور انتخابی بوده که مسؤول	- مأموران منتخب ^۱

1. Inquest used

ضبط علت مرگ می‌باشد.
- آسیب‌شناس قابل دسترس درصد جمعیت شهرستان که از خدمات تخصصی دستگاه پزشکی بهره‌مند هستند.
- منطقه (مقوله: غرب حذف شده است)
- شمال شرقی (شهرستان‌های واقع در نیوانگلند و آتلانتیک میانه)
- جنوب (شهرستان‌های واقع در جنوب شرقی و دریای جنوب)
- غرب میانه (شهرستان‌های واقع در غرب میانه و جلگه‌ها)
- جنوب شرقی (شهرستان‌های واقع در جنوب شرقی)
۳) کنترل‌های آماری
جمعیت شهرستان

منابع

- Alba, Richard D (1981) "The Twilight of Ethnicity among American Catholics of European Ancestry". *Annals of the American Academy of Political and Social Science* 454 : 86-97.
- Barrera, Manuel, Jr. (1986) "Distinctions Between Social Support Concepts, Measures and Models". *American Journal of Community Psychology* 14: 413-45.
- Bellah, Robert N., Richard Madsen, William M. Sullivan, Ann Swidler, and Steven M. Tipton (1985) *Habits of the Heart*. Berkeley: University of California Press.
- Blackstone, William. (1962) *Commentaries on the Law of England*. Vol. 4, of *Public Wrongs*. Boston: Beacon Press.
- Breault, K. D. (1986) "Suicide in America: A Test of Durkheim's Theory of Religious and Family Integration, 1933-1980." *American Journal of Sociology* 96: 628-56.
- Campbell, Angus and Philip E. Converse (1978) *Quality of American Life, 1978#7762 [MRDF]*. Ann Arbor: Inter - University Consortium for Political and Social Research.
- Collins, Randall (1982) *Sociological Insight*. New York: Oxford University Press.

-
- Coser, Rose Laub and Lewis Coser (1979) "Jonestown as a Perverse Utopia." *Dissent* 26: 158-63.
- Davis, James and Tom W. Smith (1987) *General Social Survey, Cumulative File, 1972-1986#8609* [MRDF]. Ann Arbor: Inter – University Consortium for Political and Social Research.
- Douglas, Mary (1983) "The Effect of Modernization on Religious Change". Pp 25-43 in *Religion and America*, edited by Mary Douglas and Steven M. Tipton. Boston: Beacon Press.
- Durkheim, Emile. 1951 [1897]. *Suicide*. New York: Free Press.
- ____ 1961 [1951]. *The Elementary Forms of the Religious Life*. New York: Collier Books.
- Erikson, Kai T. (1976) *Everything in Its Path*, New York: Simon & Schuster.
- Firebaugh, Glenn and Jack P, Gibbs. 1985. "Users Guide to Ratio Variables." *American Sociological Review* 50: 713-22
- Fischer, Clause S. (1977) *Northern California Community Study # 7744* [MRDF]. Ann Arbor: Inter – University Consortium for Political and Social Research.
- ____ (1982) *To Dwell Among Friends*. Chicago: University of Chicago Press.
- Fitzgerald, Frances. 1986. *Cities on a Hill*, New York: Simon & Schuster.
- Gibbs, Jack (1961) "Suicide", Pp. 281-321 in *Contemporary Social Problems*, edited by Robert K. Merton and Robert Nisbet. New York: Harcourt, Brace & World.
- Greeley, Andrew M. (1977) *The American Catholic*. New York: Basic Books.
- Gustafson, James F. (1961) *Treasure in Earthen Vessels*. New York: Harper & Brothers.
- Hanushek, Eric A. and John E. Jackson (1977) *Statistical Methods for social Scientists*. New York: Academic Press.
- Herberg, Will. (1960) *Protestant, Catholic, Jew*. Garden City, NY: Anchor Books.

- Hoge, Dean R. (1979) "A test of Theories of Denominational Growth and Decline". Pp. 179-97 in *Understanding Church Growth and Decline, 1950-1978*, edited by Dean R. Hoge and David A. Roozen. New York: Pilgrim Press.
- Hout, Michael and Andrew M. Greeley (1987) "The Center Doesn't Hold: Church Attendance in the United States, 1940-1984." *American Sociological Review* 52: 325-45.
- Hunter, James Davidson (1987) *Evangelicalism: The Coming Generation*. Chicago: University of Chicago Press.
- Jewish Publication Society (1977) *American Jewish Yearbook*. Philadelphia: Jewish Publication Society of America.
- Johnson, Barclay (1965) "Durkheim's One Cause of Suicide". *American Sociological Review* 30: 875-86.
- Johnson, Benton (1963) "On Church and Sect." *American Sociological Review* 28: 539-49.
- Johnson, Douglas, Paul Pican, and Bernard Quin (1974) *Churches and Church Membership in the United States*. Washington: Glenmary Research Center.
- Kelly, Dean M. (1972) *Why Conservative Churches are Growing*. New York: Harper & Row.
- _____ (1979) "Commentary: Is Religion a Dependent Variable." Pp. 334-43 in *Understanding Church Growth and Decline, 1950-1978*, edited by Dean R. Hoge and David A. Roozen. New York: Pilgrim Press.
- Kornblum, Ronald and Russell Fisher (1972) *A Compendium of State Medico-Legal Investigative Systems*. Baltimore: Maryland Medical Legal Foundation.
- Laumann, Edward O. (1966) *Stratified Association and Values in the Urban Community* # 7405 [MRDF]. Ann Arbor: Inter-University Consortium for Political and Social Research.
- Lukes, Steven (1972) *Emile Durkheim: His Life and Work*. New York: Harper & Row.
- Maris, Ronald (1981) *Pathways to Suicide*. Baltimore: Johns Hopkins University Press.

-
- Marsden, George M. (1980) *Fundamentalism and American Culture*. New York: Oxford University Press.
- Marty, Martin E. (1976) *A Nation of Behavers*. Chicago: University of Chicago Press.
- ____ (1979) "Foreword." Pp. 1-15 in *Understanding Church Growth and Decline, 1950-1978*, edited by Dean R. Hoge and David Roozen. New York: Pilgrim Press.
- Masaryk, Thomas (1970) *Suicide and the Meaning of Civilization*. Chicago: University of Chicago Press.
- Melton, J. Gordon (1978) *The Encyclopedia of American Religions*. Vols. 1-2. Wilmington, NC: McGrath.
- Merton, Robert K. (1967) *On Theoretical Society*. New York: Free Press.
- National Center for Health Statistics (1972) *U.S. Mortality Tape, 1970* [MRDF]. Washington, DC: National Center for Health Statistics.
- Pescosolido, Bernice A. (1986) "Migration, Medical Care Preferences and the Lay Referral System: A Network Theory of Role Assimilation". *American Sociological Review* 51: 523-40.
- Pescosolido, Bernice A. and Robert Mendelsohn (1986) "Social Causation or Social Construction of Suicide? An Investigation into the Social Construction of Official Rates." *American Sociological Review* 51: 523-40.
- Pope, Whitney (1976) *Suicide: A Classic Analyzed*. Chicago: University of Chicago Press.
- Pope, Whitney and Nick Danigelis (1981) "Sociology's 'One Law'." *Social Forces* 60:495-516.
- Porterfeld, Austin (1952) "Suicide and Crime in Folk and Secular Society". *American Journal of Sociology* 57:331-38.
- Quinley, Harold E. (1974) *The Prophetic Clergy*. New York: Harper & Row.
- Reynolds, Farley and Howard Schumann. 1976. *Detroit Area Study, 1976: A Study of Metropolitan and Neighborhood Problems # 7906* [MRDF]. Ann Arbor: Inter – University Consortium for Political and Social Research.

-
- Roof, Wade Clark. 1978. *Community and Commitment*. New York: Elsevier.
- Roof, Wade Clark and William McKinney (1987) *American Mainline Religion*. New Brunswick, NJ: Rutgers University Press.
- Roozen, David A. and Jackson W. Carrol (1979) *Recent Trends in Church Membership and Participation*. New York: Pilgrim Press.
- Selvin, Hanan (1965) "Durkheim's Suicide: Further Thoughts on a Methodological Classic." Pp. 113-35 in *Emile Durkheim*, edited by Robert Nisbet. Englewood Cliffs, NJ: Prentice Hall.
- Simmel, Georg (1955) *Conflict and the Web of Group Affiliations*. New York: Free Press.
- Smelser, Neil R. and Stephen Warner (1976) *Sociological Theory: Historical and Formal*. Morristown, NJ: General Learning Press.
- Stack, Steven (1980) "Religion and Suicide: A Reanalysis". *Social Psychiatry* 15:65-70.
- ____ (1981) "Suicide and Religion: A Comparative Analysis." *Social Focus* 14: 207-20.
- ____ (1985) "The Effect of Domestic/ Religious Individualism on Suicide, 1954 – 1984." *Journal of Marriage and the Family* 47: 431-47.
- Stark, Rodney, Daniel P. Doyle, and Jesse Lynn Rushing (1983) "Beyond Durkheim: Religion and Suicide." *Journal for the Scientific Study of Religion* 22: 120-31.
- Stark, Rodney and Charles Y. Glock (1973) "Are We Entering a Post - Christian Era." Pp. 284-96 in *Religion in Sociological Perspective*, edited by Charles Y. Glock. Belmont, CA: Wadsworth.
- Steinberg, Stephen (1973) "The Anatomy of Jewish Identification" Pp. 23-27 in *Religion in Sociological Perspective*, edited by Charles Y. Glock. Belmont, CA: Wadsworth.
- Stolzenberg, Ross M. (1979) "The Measurement and Decomposition of Causal Effects in Non Linear and Non - Additive Models" Pp. 459-88 in *Sociological Methodology*, 1980, edited by Karl F. Schuessler. San Francisco: Jossey – Bass.

- Tilly, Charles (1984) *Big Structures, Large Processes, Huge Comparisons*. New York: Russell Sage Foundation.
- Tipton, Steven M. (1982) *Getting Saved from the Sixties*. Berkeley: University of California Press.
- U.S. Bureau of the Census (1972) *Public Use Sample, 1970 County Groups* [MRDF]. Washington, DC: U. S. Bureau of the Census.
- Umberson, Debra (1987) "Family Status and Health Behaviors: Social Control as a Dimension of Social Integration". *Journal of Health and Social Behavior* 28: 306-19.
- Wellman, Barry (1983) "Network Analysis: Some Basic Principles" Pp. 155-200 in *Sociological Theory*, 1983, edited by Randall Collins. San Francisco: Jossey-Bass.
- Wellman, Barry, Clayton Mosher, Cyndy Rottenberg, and Vincent Espinosa (1987) "Different Strokes From Different Folks: Which Ties Provide What Kinds of Social Support." *Working Paper No. 457*, Institute of Urban and Regional Development: University of California, Berkeley.
- Wells, David F. (1984) *An American Evangelical Theology: The Painful Transition from Theoria to Praxis*. Grand Rapids, MI: William B. Eerdmans.
- White, Harrison and Scott A. Boorman (1976) "Social Structure from Multiple Networks. II. Role Structures." *American Journal of Sociology* 81: 1324 – 46.
- White, Harrison, Scott A. Boorman, and Ronald Breiger (1976) "Social Structure from Multiple Networks I. Blockmodels of Roles and Positions." *American Journal of Sociology* 81: 730-80.
- Wood, James R. (1983) *Leadership in Voluntary Organizations: The Controversy Over Social Action in Protestant Churches*. New Brunswick, NJ: Rutgers University Press. Wuthnow, Rober
- Wuthnow, Robert (1982) "The Political Rebirth of American Evangelicals". Pp. 167-85 in *The New Christian Right*, edited by Robert C. Liebman and Robert Wuthnow. New York: Aldine.